

تعویض ضرر در مسئولیت مدنی وکیل مدافع در پرتو نظام حقوقی افغانستان

نگارنده: پوهنوال خلیل احمد فضل^۱

چکیده

یکی از آثار مهمی که بر مسئولیت مدنی وکیل مدافع مترتب می‌گردد، ثبوت حق مطالبه جبران خسارت است؛ به استناد این حق، مؤکل می‌تواند با مراجعه به وکیل مدافعی که ضرر از ناحیه وی صادر شده است، درخواست جبران خسارتی را مطرح نماید که از سوی وکیل بر او وارد گردیده است. تخلفات و خطاهای حرفه‌ای و کلای مدافع متعدد است و این امر سبب می‌شود حقوق برخی افراد، بدون آن که وکیل مدافع مورد پیگرد قانونی قرار گیرد، تضییع گردد. شاید یکی از دلایل عدم پیگرد وکیل، این باور نادرست در میان بخشی از جامعه باشد که وکیل در قبال خطاهای حرفه‌ای خویش مسئولیت ندارد. هدف این تحقیق، بررسی مطالبه جبران خسارت از وکیل مدافع و پاسخ به این پرسش است که وکیل مدافع مکلف به جبران چه نوع ضررهایی می‌باشد، جبران خسارت چگونه صورت می‌گیرد و در صورت خودداری وکیل از جبران ضرر مؤکل، وی برای احقاق حق خویش به کدام نهاد مراجعه می‌نماید. یافته‌های تحقیق که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به‌دست آمده است، نشان می‌دهد که شخص متضرر می‌تواند علیه فاعل ضرر (وکیل) در محکمه مربوطه (محکمه محل اقامت وکیل) اقامه دعوی نماید. از این رو، مؤکل، اعم از این که مستقیماً به وکیل مسئول مراجعه کند یا علیه او در محکمه صالحه اقامه دعوی نماید، می‌تواند دو نوع مطالبه را مطرح سازد: نخست، این که حق دارد از وکیل تقاضا نماید از ادامه رسیدگی به قضیه مطروحه خودداری کرده و عقد و کالت را فسخ نماید؛ و دوم، این که حق مطالبه جبران خسارت را دارا می‌باشد.

واژه‌گان کلیدی: جبران خسارت، جبران عینی، عدم النفع، مسئولیت مدنی، وکیل مدافع.

۱- آمر و استاد دیپارتمنت حقوق خصوصی پوهنچى حقوق و علوم سیاسى پوهنتون هرات.

Email: khailil.ahmad.fazl@gmail.com

Compensation for Damages in the Civil Liability of Defense Lawyers in the Context of the Legal System of Afghanistan

Author: Associate Professor Khalil Ahmad Fazl¹

Abstract

One of the significant consequences arising from the civil liability of a defense attorney is the establishment of the client's right to claim compensation for damages. Based on this right, the client may refer to the attorney whose conduct has caused the harm and request compensation for the losses inflicted upon them by the attorney. Professional violations and errors committed by defense attorneys are numerous, and this often results in the rights of certain individuals being infringed without the attorney being subjected to any legal accountability. The reason for such lack of prosecution may be the widespread belief among many people that an attorney is not liable for professional misconduct. The purpose of this study is to examine the client's claim for compensation against a defense attorney and to answer the following questions: What types of damages is the attorney obligated to compensate? How is indemnification carried out? And, in the event that the attorney refuses to compensate the client, to which authority may the client refer in order to vindicate their rights? Using a descriptive-analytical method, the findings indicate that the injured party may file a lawsuit against the tortfeasor (the attorney) before the competent court, namely the court of the attorney's domicile. Accordingly, the client—whether by directly approaching the responsible attorney or by instituting legal proceedings before the competent court—may assert two types of claims: first, the right to request that the attorney refrain from further involvement in the pending case and terminate the contract; and second, the right to claim compensation for damages.

Keywords: Actual compensation, civil liability, Compensation for damages, defense lawyer, loss of profit.

¹- Head of the department of private law, Faculty of Law and Political Science, Herat University.
Email: matinmonib@gmail.com

۱. مقدمه

جای تردیدی نیست که مباحث مسئولیت مدنی از دیرباز مورد توجه حقوقدانان و فقهای اسلامی بوده است و قانون‌گذار کشور ما نیز به آن توجه نموده است؛ چنان که در قانون مدنی، قواعد عمومی آن وضع گردیده و قانون وکلای مدافع که در سال ۱۳۸۶ تصویب و به نشر رسید، حقوق، تعهدات و آثار آن را بیان کرده بود. پس از روی کار آمدن نظام امارت اسلامی، قوانین پیشین لغو گردیده و قواعد حاکم بر وکالت بر اساس احکام مذهب امام ابوحنیفه (رح) تنظیم و تطبیق می‌گردد.

شغل وکالت در افغانستان، همانند سایر کشورها، علاقه‌مندان زیادی دارد؛ زیرا در گام نخست شغلی مستقل و پردرآمد به‌شمار می‌رود و در عین حال از جایگاه اجتماعی باارزشی نیز برخوردار است، چرا که وکلای مدافع توانسته‌اند اصحاب دعوی و قضات محاکم را در راستای تحکیم عدالت - که هدف اساسی قوه قضائیه است - یاری رسانند. با این حال، گاه وکلای مدافع در جریان انجام وظیفه مرتکب خطاهایی می‌شوند که موجب ورود ضرر به مؤکلان آنان می‌گردد و در موارد متعددی سبب تضییع حقوق مؤکلان می‌شود. در عین حال، به دلیل عدم آگاهی مؤکلان از قوانین نافذ، در بسیاری از موارد برای جبران ضرر علیه وکیل اقدامی صورت نمی‌گیرد. عدم آگاهی عمومی نسبت به این موضوع، یا وجود ارتباطات حرفه‌ای گسترده میان وکیل و مؤکل، ممکن است سبب شود که مؤکل از طرح شکایت علیه خطاهای وکیل، به دلیل ملاحظات اخلاقی، خودداری نماید؛ یا این که محاکم در تعیین میزان جبران خسارت به مبلغی ناچیز حکم صادر کنند که عملاً ارزش شکایت را نداشته باشد. این عوامل موجب شده است که خطاهای وکلا روزه‌روز افزایش یابد و در بسیاری از موارد نیز هیچ‌گونه تعویضی پرداخت نگردد؛ به‌ویژه آن که در این زمینه قواعد قانونی خاص و صریحی وجود ندارد. از این‌رو، این مقاله و سایر نوشته‌های متخصصان این حوزه می‌تواند در روشنگری اذهان اصحاب دعوی نقش مؤثری ایفا نماید. از سوی دیگر، این تحقیق می‌تواند با ارتقای کیفیت خدمات حقوقی و ایجاد اعتماد میان مردم و دستگاه قضایی، به اصلاح مقررات صنفی وکلای مدافع در افغانستان کمک نماید.

این تحقیق که با هدف تبیین نحوه تعیین تعویض ناشی از خطاهای وکیل مدافع و شناسایی ضررهای قابل مطالبه در مسئولیت مدنی وکیل مدافع، به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است، در پی پاسخ به این پرسش است که جبران خسارت ناشی از خطاهای وکیل در مسئولیت مدنی چگونه تعیین می‌گردد و تعویض از چه نوع ضررهایی و با وجود کدام شرایط در مسئولیت مدنی وکیل مدافع قابل مطالبه است؟

بدین منظور، در این مقاله تلاش می‌شود تا با استفاده از کتب معتبر فقهی و قوانین نافذه کشور، در گام نخست مفاهیم اساسی مرتبط با موضوع تبیین گردد و در گام دوم، راه‌های درخواست تعویض خسارت ناشی از ضررهای وارده تشریح شود.

۲. مفاهیم اساسی

۲-۱. مفهوم مسئولیت مدنی

مسئولیت واژه‌ای عربی و مصدر جعلی از ریشه «سأل» به معنای بازخواست، مؤاخذه، ضمان و ضمانت است. در اصطلاح، عبارت از تعهدی است که به سبب ورود ضرر بر غیر، در برابر قضا، برای شخصی به نفع فرد متضرر به وجود می‌آید و پیامد آن، نتایج مدنی، کیفری یا تأدیبی برای وی به همراه دارد. مسئولیت مدنی به مسئولیتی اطلاق می‌شود که قابلیت ارزیابی مالی داشته باشد؛ مانند آن که شخصی مال متعلق به غیر را اتلاف نماید که در این صورت ضامن خواهد بود (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۸۳۹).

۲-۲. وکیل مدافع

در فقه حنفی، تعریف مستقلی از وکیل مدافع ارائه نشده و به تعریف وکالت اکتفا گردیده است؛ چنان که در تعریف وکالت آمده است: «هی إقامه الشخص غیره مقام نفسه فی تصرفات جائز معلوم»؛ یعنی تعیین شخصی غیر از خود به عنوان قائم مقام در تصرفات معلوم و جایز. همچنین در تعریف دیگری آمده است: «هو تفویض التصرف و الحفظ إلی الوکیل» (زحیلی، ۱۹۹۷، ج ۶، ص ۲۹۹۶)، به این معنا که اختیار تصرف و حفظ به وکیل تفویض می‌گردد. با توجه به ترجمه این تعاریف، مشاهده می‌شود که قانون‌گذار افغانستان نیز با همین مفهوم، وکالت را در ماده ۱۵۵۴ قانون مدنی چنین تعریف

نموده است: «وکالت عقدی است که به موجب آن، مؤکل شخص دیگری را در تصرفات قانونی و معلوم، قائم مقام خود می سازد.»

در فقه اسلامی، از اصطلاح وکالت دفاع و وکیل مدافع با عنوان «الوکالة بالخصومة» استفاده شده است. در زبان عربی معاصر، به جای آن واژه «المحاماة» و برای وکیل مدافع اصطلاح «محامي» به کار می رود که به معنای حمایت کننده و مدافع است. وکالت دفاع حرفه ای است که قوه قضائیه را در تحقق عدالت یاری رسانده، بر سیادت قانون تأکید می نماید و حقوق شهروندان و آزادی های آنان را تضمین می کند (احمد اشرف، ۲۰۱۲، ص ۱۲). همچنین وکالت دفاع عبارت است از تفویض اختیار به شخصی برای مراجعه به محکمه و دفاع از حق، با تمام مقدمات و لوازم آن (انصاری، ۱۳۸۸، ص ۲۲۱۶). قانون وکلای مدافع افغانستان نیز در فقره نخست ماده پنجم، وکیل مدافع را چنین تعریف کرده است: «وکیل مدافع عبارت از شخصی است که شامل فهرست وکلای مدافع بوده و مطابق احکام قانون، در پیشگاه محاکم و سایر مراجع، از حق مؤکل خویش دفاع نموده یا دعوی را اقامه می نماید».

۳. ارکان مسئولیت مدنی

۳-۱. خطا یا فعل زیان بار

خطا یکی از ارکان اساسی مسئولیت مدنی قراردادی به شمار می رود که تمامی نظام ها و قوانین، تحقق مسئولیت را منوط به وجود آن می دانند. خطا در لغت، ضد صواب است (معین، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶) و به معنای اشتباه، ناراستی، گناه و مانند آن به کار می رود (باریکلو، ۱۳۸۹، ص ۹۰۰). در تفسیر فتح القدیر آمده است: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ»، یعنی گناهی بر شما نیست در آنچه از روی خطا انجام داده اید؛ از جمله خطای غیر عمدی، و در ادامه می فرماید: «وَلَكِنْ الْإِثْمُ فِيمَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ»، یعنی گناه در آن چیزی است که دل های شما به طور عمدی مرتکب شده اند (شوکانی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۷۱). همچنین در حدیثی آمده است: «وَإِذَا حَكَمَ فَاجْتَهِدْ ثُمَّ أَخْطَأَ فَلَهُ أَجْرٌ» (ابن ماجه، بی تا، ص ۳۱۹).

در شرح واژه «خطا» در فتح الباری چنین آمده است که شخص به گمان آن که حق با او یا با دیگری است، عملی انجام می دهد، در حالی که حق و صواب برخلاف آن بوده است؛ یا به تعبیر دیگر،

حقیقت را برخلاف واقع درک می‌کند. بنابراین، غلط‌بودن، ذات خطا محسوب می‌شود؛ چنان‌که گفته می‌شود «أخطأ الطريق» (عدل منه)، یعنی راه را گم کرد یا از مسیر منحرف شد (همان، بی‌تا، ص ۳۱۹). اما خطای قراردادی در نزد حقوق‌دانان عبارت است از عدم قیام مدیون به اجرای تعهدات خویش، خواه این عدم اجرا عمدی باشد یا ناشی از اهمال و بی‌توجهی. با این حال، برای بیان دقیق‌تر مفهوم خطای قراردادی، باید میان دو نوع تعهد قراردادی، یعنی تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله، تفکیک قائل شد. هرگاه تعهد قراردادی از نوع تعهد به نتیجه باشد، صرف عدم قیام مدیون به اجرای تعهد، موجب تحقق خطا می‌گردد؛ زیرا اجرای چنین تعهدی منوط به تحقق نتیجه معین است، مانند تعهد به انتقال حق عینی یا تعهد به تسلیم مال معین.

اما در صورتی که تعهد از نوع تعهد به سعی و تلاش و به‌کارگیری وسایل باشد، یعنی تعهدی که از مدیون تحقق نتیجه را مطالبه نمی‌کند، بلکه انتظار می‌رود وی بر اساس معیارها و ضوابط حرفه‌ای و شغلی، نهایت سعی و کوشش خود را به کار گیرد تا به هدف مورد نظر دست یابد، در این حالت، عدم سعی و تلاش لازم از سوی مدیون، موجب تحقق خطای قراردادی می‌شود. در اینجا این پرسش مطرح می‌گردد که معیار سعی و تلاش، و ملاک تشخیص آنچه وکیل مکلف به انجام آن است، چیست؟ بدیهی است که وکیل مدافع، در پیشبرد امور و کالتی، از فرد عادی آگاه‌تر و داناتر است. شخصی که وکیل مدافع را برای مشاوره یا پیگیری یک دوسیه انتخاب می‌نماید، به این اعتماد اقدام می‌کند که وکیل از نظر علمی و حرفه‌ای، فردی خبره و با تجربه است و چنین نیز باید باشد. بنابراین، لازم است وکیل به تعهدات حرفه‌ای و شغلی خویش پایبند بوده و مطابق قواعد طرز سلوک و قانون وکلای مدافع، وظایف خود را انجام دهد. از این‌رو، میزان دقت، عنایت و اهتمام لازم از سوی وکیل مدافع در طی مراحل دوسیه مؤکل، با میزان توجهی که از یک فرد عادی انتظار می‌رود، متفاوت است. معیاری که می‌توان عمل وکیل مدافع را بر اساس آن سنجید، روش معمول و متعارف در میان گروه وکلای مدافع است، نه رفتار عموم مردم.

۲-۳. خسارت یا ضرر

ورود ضرر و زیان، یکی از ارکان و شرایط اساسی مسئولیت وکیل مدافع به شمار می‌رود؛ زیرا موضوع مسئولیت قراردادی یا مدنی، به‌طور کلی، جبران ضرر ناروا است و تا زمانی که ضرری تحقق نیابد، محلی برای جبران وجود نخواهد داشت و در نتیجه، مسئولیت قراردادی یا مدنی نیز تحقق نمی‌یابد. بنابراین، ورود ضرر رکن اساسی مسئولیت وکیل مدافع است و لازم است مفهوم، انواع و شرایط ضرر قابل جبران مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲-۳. مفهوم ضرر

واژه «ضرر» که در مقابل نفع به کار می‌رود، در لغت به معنای نقصان و زیان است و زیان نیز که ضد سود می‌باشد، به معنای خسارت استعمال می‌گردد. از این‌رو، ضرر، زیان و خسارت در لغت به‌عنوان واژه‌های مترادف به کار می‌روند.

۲-۲-۳. مفهوم خسارت

خسارت، به کسر خاء، از ریشه «خُسِر» گرفته شده و در لغت به معنای ضرر، زیان و کم‌آوردن است (انصاری، ۱۳۸۴، ص ۸۹۷). در قانون مدنی پیشین نیز این واژه به همان معنای لغوی، یعنی ضرر و زیان، به کار رفته است؛ چنان‌که در ماده ۷۷۹ قانون مدنی آمده است: «محکمه جبران خسارت را به تناسب ضرر عایدۀ تعیین می‌نماید، مشروط بر این‌که ضرر مذکور مستقیماً از فعل مضر ناشی شده باشد». همچنین در ماده ۳۸ قانون مدنی تصریح شده است که هرگاه شخصی نام خانوادگی غیر را به خود انتقال دهد و این عمل موجب ورود خسارت به شخص نخست گردد، متضرر می‌تواند علاوه بر مطالبه منع، جبران خسارت را نیز از متعرض مطالبه نماید.

در اصطلاح حقوقی، خسارت به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، نقصی در اموال ایجاد گردد، یا منفعت مسلمی از دست برود، یا به سلامت، حیثیت و عواطف شخص لطمه وارد شود؛ در این صورت گفته می‌شود ضرر تحقق یافته است (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷). همچنین خسارت عبارت است از زیان وارد بر شخص و هرگونه کاهش در کمیت یا کیفیت مال زیان‌دیده که در باب تعهدات، از عدم انجام تعهد یا تاخیر در انجام آن ناشی می‌شود (شوکانی، بی تا، ج ۴، ۱۸۹).

۳-۲-۳. انواع خسارت

خسارتی که به شخص وارد می شود، به اعتبار موضوع آن، به خسارت مادی، معنوی و مختلط تقسیم می گردد. ضرر مادی خود نیز به دو دسته قابل تقسیم است: دسته نخست، خسارت مثبت یا از بین رفتن مال موجود، و دسته دوم، خسارت منفی که از آن به «عدم النفع» تعبیر می شود.

منظور از خسارت مادی، ضرری است که قابل تقویم به پول باشد. به عبارت دیگر، خسارت مادی زیان مالی ای است که اثر مادی و بیرونی بر جای می گذارد و در نتیجه آن، بر جان یا دارایی شخص نقصان وارد می شود. این نقصان ممکن است به صورت تلف مال، کاهش ارزش آن، از میان رفتن منفعت مال، صدمه به حق مشروع شخص یا جلوگیری از وصول نفع مسلم تحقق یابد.

در هر صورت، هر فعل یا ترک فعل شخصی که سبب از بین رفتن مال، منفعت، حقوق مالی یا کاهش ارزش مال دیگری گردد، بر اساس قواعد کلی مسئولیت مدنی، موجب الزام مرتکب به جبران آن خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۴۴).

خسارت معنوی در مقابل خسارت مادی قرار دارد و خسارتی است که متوجه مال زیان دیده نمی شود، بلکه به منافع غیر مالی او آسیب می رساند و موجب رنج اخلاقی و صدمات روحی وی می گردد. نقص بدنی، لطمه به شرافت و آبروی شخص و خانواده، افشای اسرار خصوصی، شکست های عاطفی، لطمه به اعتقادات و ارزش های دینی و اخلاقی، تجاوز به اقامتگاه، رنج ناشی از فقدان نزدیکان و لطمه به شهرت تجاری، از مصادیق خسارت معنوی به شمار می روند. شایان ذکر است که امروزه در حقوق، بحث درباره صدق عنوان ضرر بر خسارت معنوی خاتمه یافته و بیشتر نظام های حقوقی نه تنها خسارت معنوی را مصداق ضرر می دانند، بلکه جبران آن را به پول یا هر وسیله مناسب دیگر نیز لازم می شمارند. با این حال، ضرر معنوی همانند ضرر مادی باید ضرری مسلم و غیر احتمالی باشد تا قابل جبران تلقی گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۴۵).

خسارت مختلط در صورتی تحقق می یابد که فعل یا ترک فعل واحد، هم زمان موجب ورود خسارت مادی و زیان معنوی گردد و زیان دیده بتواند علاوه بر جبران خسارت مادی، جبران خسارت معنوی را نیز مطالبه نماید. برای مثال، خسارات وارد بر صاحب اثر علمی در نتیجه تخلف ناشری که

طبق قرارداد متعهد بوده است اثر را بدون دست برد به محتوا تا زمان برگزاری نمایشگاه به چاپ برساند، ولی برخلاف تعهد قراردادی، نه تنها کتاب را در زمان مقرر چاپ نکرده، بلکه محتوای آن را نیز تغییر داده است، از مصادیق خسارت مختلط به شمار می رود. در این حالت، صاحب اثر می تواند علاوه بر جبران خسارت مادی، جبران خسارت معنوی خود را نیز از متخلف مطالبه نماید. همچنین بیماری که در اثر تخلف داکتر طب از تعهد خود مبنی بر رعایت مقررات مربوط به تداوی، یکی از اعضای بدن خویش را از دست داده است، می تواند افزون بر مطالبه مصارف تداوی و خسارت ناشی از کارافتادگی (خسارت عدم النفع)، جبران خسارت معنوی ناشی از نقص عضو را نیز از متخلف قراردادی مطالبه کند (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۴۹).

۳-۳. رابطه سببیت

یکی دیگر از ارکان مسئولیت مدنی، وجود رابطه سببیت میان فعل زیان بار و ضرر وارده است. به بیان دیگر، ضرر باید مستقیماً ناشی از فعل زیان بار باشد؛ به گونه ای که با انتقای فعل زیان بار، ضرر نیز منتفی گردد. لزوم وجود رابطه سببیت میان فعل زیان بار و ضرر وارده، امری بدیهی و ضروری است؛ زیرا عرف و سیره عقلاء، شخص را تنها مسئول جبران ضرری می دانند که ناشی از عمل او باشد و در صورتی که میان فعل زیان بار و ضرر وارده رابطه علیت عرفی وجود نداشته باشد، عرفاً عامل، مسئول جبران چنین ضرری نخواهد بود.

احراز رابطه سببیت در مواردی که حادثه یا فعل واحد موجب ورود ضرر شده باشد، امری آسان و روشن است؛ زیرا عوامل دیگری در تحقق ضرر دخالت نداشته اند تا احتمال سببیت آن ها مطرح گردد. در این صورت، همان حادثه واحد سبب ورود ضرر تلقی می شود. اما در مواردی که ضرر واحد ناشی از دخالت و تأثیر یکی از چند حادثه باشد، در حالی که حادثه مؤثر به طور مشخص معلوم نباشد، امر مشتبّه می گردد. همچنین در مواردی که چند حادثه به طور هم زمان در ایجاد ضرر واحد دخالت داشته باشند، تشخیص رابطه سببیت با دشواری همراه خواهد بود (باریکلو، ۱۳۸۹، ص ۸۵).

۳-۴. تعیین و روش جبران خسارت

جبران خسارت باید متناسب با ضرری باشد که به زیان دیده وارد شده است؛ به عبارت دیگر، باید میان روش جبران و ضرر وارده، سنخیت و تناسب عرفی وجود داشته باشد. بر این اساس، روش جبران هر خسارت با توجه به ماهیت آن متفاوت خواهد بود. به همین دلیل، در ماده ۷۷۹ قانون مدنی پیشین مقرر شده است: «محکمه جبران خسارت را به تناسب ضرر عایدۀ تعیین می‌نماید، مشروط بر این که ضرر مذکور مستقیماً از فعل مضر ناشی شده باشد». از این رو، با توجه به انواع خسارات وارده، روش جبران هر یک به طور جداگانه بررسی می‌گردد.

جبران خسارت مادی، با توجه به مقتضای قواعد و مقررات و ماهیت مال متعلق خسارت، ممکن است به سه روش صورت گیرد که هر یک از این روش‌ها، بر اساس ترتیب و اولویت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۴-۱. جبران عینی

منظور از جبران عینی خسارت آن است که زیان دیده به گونه‌ای جبران شود که گویی فعل زیان‌بار واقع نگردیده و وضعیت او پس از جبران خسارت، همان وضعیت پیش از وقوع فعل زیان‌بار باشد.

این روش، بهترین و مقدم‌ترین شیوه جبران خسارت مادی محسوب می‌شود؛ زیرا در این حالت، خسارت به طور کامل از متضرر رفع می‌گردد. برای مثال، اگر عین مال مغضوب به مالک آن مسترد شود، خسارت ناشی از غصب به طور کامل جبران شده و مالک در همان وضعیت پیش از غصب قرار می‌گیرد. با وجود آن که این روش، مناسب‌ترین شیوه جبران خسارت مادی است، در بسیاری از موارد امکان‌پذیر نیست؛ زیرا فعل زیان‌بار غالباً موجب تلف مال یا نقصان آن به گونه‌ای می‌شود که اعاده وضعیت سابق ممکن نمی‌باشد. در چنین مواردی، جبران خسارت باید به صورت معادل انجام گیرد (صفایی، ۱۳۹۱، ص ۲۵).

۳-۴-۲. جبران معادل

این روش در مواردی به کار می‌رود که جبران عینی ممکن نباشد یا طرفین بر جبران معادل تراضی نمایند. در این شیوه، چون غالباً امکان قرار دادن زیان دیده در عین وضعیت پیش از وقوع فعل زیان‌بار

وجود ندارد، وی در وضعیت مشابه و معادل آن قرار داده می‌شود. جبران معادل، با توجه به ماهیت مال متعلق ضرر یا مشکلات اجرایی، به دو صورت تحقق می‌یابد: دادن مثل، در صورتی که مال مثلی باشد، یا پرداخت قیمت، در صورتی که مال قیمی باشد. مال مثلی مالی است که مثل و مانند آن بدون تفاوت قابل ملاحظه در بازار یافت شود، مانند بسیاری از اموال صنعتی تولیدشده توسط شرکت‌ها؛ و مال قیمی مالی است که مثل و مانند آن در بازار یافت نشود یا در صورت وجود، تفاوت قابل توجهی با آن داشته باشد (همان، ۱۳۹۱، ص ۲۵).

۳-۴-۳. جبران به مثل و قیمت

اموال از لحاظ داشتن یا نداشتن مثل و مانند در بازار، به دو نوع مثلی و قیمی تقسیم می‌شوند. اگر مال تلف شده از اموال مثلی باشد، مسئول مکلف است مثل مال تلف شده را جهت جبران خسارت به متضرر تسلیم نماید و متضرر حق دارد تسلیم مثل را از وی مطالبه کند؛ مگر این که مثل آن در بازار نایاب شده باشد که در این صورت، پرداخت قیمت لازم می‌گردد. هرگاه مال از جمله اموال قیمی باشد، مسئول مکلف به پرداخت قیمت مال تلف شده به متضرر می‌باشد (نظام‌الدین، ۱۳۹۷، ص ۳۰).

در رابطه با جبران ضرر معنوی، همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، در فقه و حقوق جای تردید باقی نمی‌ماند؛ اما تمام بحث در نحوه جبران خسارت معنوی است. زیرا خسارت معنوی و آسیب‌های عاطفی قابل ارزیابی به پول نیستند. از همین‌رو، گروهی آن را جبران‌ناپذیر دانسته و می‌گویند چگونه می‌توان درد جان کاه همسر و فرزندان کارگری را که در اثر تخلف مهندس ناظر از تعهد خود مبنی بر نظارت و رعایت دقیق نکات ایمنی جان باخته است، با پرداخت مبلغی پول جبران کرد؟ یا چگونه می‌توان رنج روحی زوج جوانی را که در نتیجه تخلف فیلم‌بردار از تعهد خود مبنی بر عدم سوءاستفاده از فیلم عروسی، تصاویر آنان در اختیار عموم قرار گرفته و لطمه شدید به آبرو و حیثیت خانوادگی‌شان وارد شده است، با پرداخت پول جبران نمود؟

عده‌ای از نویسندگان در پاسخ به این ایراد گفته‌اند که جبران‌ناپذیر دانستن خسارت معنوی، ناشی از درک نادرست مفهوم «جبران خسارت» است؛ زیرا مقصود از جبران ضرر، محو کامل آن نیست تا گفته شود که ضرر معنوی با پرداخت خسارت مادی از بین نمی‌رود، بلکه هدف از پرداخت خسارت

آن است که زیان‌دیده جایگزینی برای ضرر معنوی وارد شده داشته باشد و بدین وسیله تحمل آلام درونی برای وی آسان‌تر گردد. با چنین برداشتی، جبران ضرر معنوی به‌خوبی امکان‌پذیر می‌شود. بنابراین، هرچند با پرداخت خسارت، ضرر معنوی به‌طور کامل از بین نمی‌رود، اما می‌تواند تا حدی جایگزین آن شده و با کاستن از آلام روحی و رنج عاطفی زیان‌دیده، تحمل آن را آسان‌تر سازد (صفایی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۹).

گرچه رایج‌ترین وسیله جبران خسارت، پرداخت پول است، اما در مورد جبران ضرر معنوی، قاضی می‌تواند راه‌حل‌های مناسب‌تری را نیز در نظر بگیرد؛ برای مثال، انتشار رأی محکومیت شخصی که شرف و حیثیت دیگری را لکه‌دار کرده است، می‌تواند بهتر موجب اعاده حیثیت زیان‌دیده شده و ضرر معنوی وی را جبران نماید. شاید به همین دلیل، ماده ۶۲ قانون تجارت افغانستان در مورد نماینده‌ای که اطلاعات خلاف واقع درباره اخلاق یا توان مالی تاجر ارائه کرده و از این طریق موجب خسارت مادی یا معنوی وی شده است، علاوه بر الزام نماینده خاطی به جبران خسارات مادی و معنوی تاجر، از محکمه می‌خواهد که این موضوع را به هزینه خود نماینده در جراید نیز به نشر بسپارد.

بنابراین، بر عهده قاضی است که با توجه به وضعیت زیان‌دیده و اوضاع و احوال حاکم بر قضیه، در هر مورد به‌درستی تشخیص دهد که با چه وسیله‌ای یا با چه مقدار پول می‌توان زیان‌دیده را در وضعیتی قرار داد که آلام و اندوه ناشی از حادثه زیان‌بار یا تخلف قراردادی، تا حد معقول از بین برود یا دست کم تسکین یابد. هرچند چنین قضاوتی ساده نخواهد بود، اما دشوارتر از برآورد خسارت در برخی اقسام ضرر مادی نیز نیست.

در نظام حقوقی کشور، همانند سایر نظام‌های حقوقی، جبران خسارت شامل سنجش ضرر معنوی نیز دانسته شده است. قانون مدنی در فقره دوم ماده ۷۷۸ مقرر می‌دارد: «اگر به سبب وفات شخصی که مورد تعدی واقع گردیده، ضرر معنوی به زوج و اقارب وی عاید گردد، محکمه می‌تواند برای زوج و اقارب تا درجه دوم، به جبران خسارت حکم نماید.»

همچنین در فقره سوم همین ماده تصریح شده است که جبران خسارت ناشی از ضرر معنوی به غیر انتقال نمی‌کند، مگر این که مقدار آن بر اساس موافقت طرفین یا حکم قطعی محکمه تعیین شده باشد.

این ماده که از ماده ۲۲۲ قانون مدنی مصر اقتباس شده است، در بند نخست، صراحتاً ضرر معنوی را جبران‌پذیر دانسته و به عنوان نمونه، فرض فوت زیان‌دیده را مطرح کرده است. در خارج از این فرض، تعیین میزان خسارت و نحوه جبران آن بر حسب مورد، به عهده قاضی واگذار شده است.

به موجب بند دوم ماده مذکور، هرگاه در اثر مرگ مصدوم، ضرر معنوی به نزدیکان وی وارد شود، محکمه ذی صلاح فقط نسبت به جبران خسارت معنوی همسر و اقارب وی تا درجه دوم، یعنی پدر، مادر، جد، جده، اولاد، اولادِ اولاد، برادران و خواهران، حکم خواهد کرد. سایر نزدیکان متوفی، هرچند واقعاً دچار آلام روحی و ضرر معنوی ناشی از فقدان متوفی شده باشند، حق مطالبه جبران خسارت معنوی را ندارند؛ زیرا قانون‌گذار به منظور جلوگیری از سوءاستفاده، دایره مدعیان جبران ضرر معنوی ناشی از فوت زیان‌دیده را به صورت حصری تعیین کرده و آن را تا حد معقولی محدود نموده است.

حق جبران ضرر معنوی ناشی از مرگ که بر شخص متوفی وارد شده است، به ورثه وی منتقل نمی‌شود؛ زیرا به موجب بند سوم ماده ۷۷۸ قانون مدنی، حق جبران ضرر معنوی تنها در صورتی به غیر منتقل می‌شود که مقدار آن بر اساس توافق زیان‌دیده و عامل زیان یا به موجب حکم قطعی محکمه تعیین شده باشد. حال آن که در فرض مرگ، امکان تعیین جبران خسارت معنوی از طریق توافق با شخص متوفی یا مطالبه آن توسط وی پس از مرگ وجود ندارد.

اما هرگاه ضرر معنوی وارد بر زیان‌دیده، غیر از ضرر معنوی ناشی از مرگ باشد، حق جبران آن به غیر منتقل می‌شود؛ مشروط بر این که طبق بند سوم ماده یادشده، مقدار آن از طریق توافق طرفین یا حکم قطعی محکمه تعیین شده باشد. در غیر این دو فرض، حق جبران خسارت معنوی به کسی منتقل نمی‌شود؛ زیرا وراثت تنها نسبت به اموال و حقوق مالی زیان‌دیده قائم مقام او محسوب می‌شوند، در حالی که خسارت معنوی به شخصیت و وضعیت روحی و عاطفی خود زیان‌دیده مربوط است. تا زمانی که خسارت معنوی بر اثر توافق یا حکم محکمه به حق مالی تبدیل نشده باشد، قابل انتقال به غیر نخواهد بود. از این رو، چنانچه زیان‌دیده پیش از تحقق شرایط بند سوم ماده ۷۷۸ قانون مدنی فوت کند، حق جبران خسارت به ورثه منتقل نشده و با فوت وی از بین می‌رود؛ زیرا هدف از پرداخت

خسارت معنوی، خشنودی شخص زیان دیده و تسکین آلام روحی اوست که با فوت وی، موضوعاً منتفی می گردد.

اشخاص حقوقی نیز می توانند جبران خسارت ناشی از ضرر معنوی را مطالبه نمایند؛ زیرا اشخاص حقوقی دارای وجود مستقل از اعضای خود بوده و همانند اشخاص حقیقی، از تمام حقوق برخوردارند، مگر حقوقی که مختص اشخاص حقیقی است (ماده ۳۴۱ قانون مدنی افغانستان). بنابراین، اشخاص حقوقی حق دارند به نام خود، به منظور جبران خساراتی که به اعتبار حیثیت و شهرت آنان وارد شده است، اقامه دعوی نمایند. با این حال، دسته ای از خسارات معنوی که ویژه انسان است، مانند لطامات روحی و عاطفی، به دلیل عدم امکان ورود چنین خساراتی بر اشخاص حقوقی، قابل مطالبه نخواهد بود.

۴. نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته آمد، مسئولیت مدنی و کیل مدافع در نظام حقوقی افغانستان بر سه رکن اساسی خطا، ضرر و رابطه سببیت استوار است. هرگاه وکیل مدافع در انجام وظایف و تعهدات حرفه ای خویش دچار بی احتیاطی، سهل انگاری یا تخلف گردد و این امر منجر به ورود ضرر به مؤکل شود، مسئول جبران آن خواهد بود. ضرر وارد شده ممکن است مادی، معنوی یا مختلط باشد که هر سه نوع آن، مطابق اصول فقهی و قوانین نافذ کشور، قابل مطالبه و جبران است.

جبران خسارت منوط به تحقق شرایطی از جمله تناسب با نوع و میزان ضرر و وجود رابطه مستقیم و عرفی میان فعل زیان بار و ضرر وارده می باشد. در صورت امکان، جبران عینی بهترین شیوه برای اعاده وضعیت پیشین زیان دیده محسوب می شود و در صورت عدم امکان آن، جبران به مثل یا قیمت صورت می گیرد. در خصوص ضررهای معنوی نیز، با در نظر گرفتن اوضاع و احوال قضیه، محکمه می تواند حکم به پرداخت مبلغ مناسب یا اتخاذ اقدامات دیگری از قبیل اعاده حیثیت صادر نماید.

بر اساس مبانی فقهی امام ابوحنیفه (رح) و نصوص قانون مدنی افغانستان، وکیل مدافع از مسئولیت مدنی مصون نیست و در برابر هر گونه تقصیر یا اهمال در انجام وظیفه پاسخگو می باشد. بنابراین، لازم است وکیل در اجرای تعهدات قراردادی و حرفه ای خویش نهایت دقت، صداقت و امانت را به کار

برده و مطابق آرای فقهی معتبر، طرزالعمل ریاست عدلیه و اصول اخلاق حرفه‌ای عمل نماید تا از ورود ضرر به مؤکل جلوگیری شود. در غیر این صورت، مؤکل حق اقامه دعوی و مطالبه تعویض ضرر را در محاکم صالحه خواهد داشت.

۵. پیشنهادات

۱. لازم است وزارت عدلیه مقرره‌ای در مورد مسئولیت‌های مدنی و جزایی وکلای مدافع و حدود آن تدوین نماید تا از برداشت‌های متفاوت و ابهامات حقوقی جلوگیری شود.
۲. ایجاد یک نهاد نظارتی در چوکات ریاست عدلیه جهت پیگیری تخلفات و شکایات مؤکلین از وکلا می‌تواند در تأمین عدالت مؤثر واقع گردد.
۳. برگزاری دوره‌های بازآموزی، سمینارها و کارگاه‌های آموزشی برای وکلای مدافع در زمینه مسئولیت مدنی و اخلاق حرفه‌ای، به منظور ارتقای سطح آگاهی و جلوگیری از تخلفات، ضروری است.
۴. آگاه‌سازی عامه و مؤکلین از حقوق قانونی‌شان در برابر خطاهای وکلای مدافع از طریق نشرات، رسانه‌ها و برنامه‌های آموزشی حقوقی توصیه می‌شود.
۵. پیشنهاد می‌گردد محاکم عدلی و قضایی در هنگام رسیدگی به دعاوی مربوط به مسئولیت مدنی وکلای مدافع، به خسارات معنوی در کنار خسارات مادی نیز توجه لازم مبذول دارند تا عدالت واقعی میان طرفین تحقق یابد.

سرچشمه‌ها

(۱) قرآن کریم.

الف) کُتب:

(۲) انصاری، مسعود و محمد علی طاهری. (۱۳۸۸) ه.ش. دانشنامه حقوق خصوصی. تهران. انتشارات جنگل.

(۳) باریکلو، علیرضا. (۱۳۸۹) ه.ش. مسئولیت مدنی. تهران. بنیاد حقوقی میزان.

(۴) زحیلی، وهبه. (۱۹۹۷) م. الفقه الاسلامی و ادلتہ. ج ۶. بیروت. دارالفکر.

(۵) شوکانی، الامام محمد بن علی. بی تا. تفسیر فتح القدیر. ج ۴. پاکستان. بازار قصه خوانی پشاور.

(۶) صفایی، سید حسین. (۱۳۹۱) ه.ش. مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد. تهران. انتشارات سمت.

(۷) قزوینی، ابو عبدالله ابن ماجه. ۱۴۱۸ ه.ق. سنن ابن ماجه. بیروت، مکتبه العبیکان.

(۸) کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۹) ه.ش. حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها. ج ۱. تهران. انتشارات بهمن برنا.

(۹) ----- (۱۳۷۹) ه.ش. حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها. ج ۲. تهران. انتشارات بهمن برنا.

(۱۰) ----- (۱۳۸۴) ه.ش. الزام‌های خارج از قرارداد. ج ۲. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.

(۱۱) ----- (۱۳۸۹) ه.ش. حقوق مدنی، عقود معین. تهران. شرکت سهامی انصار.

(۱۲) عبدالله، نظام الدین. (۱۳۹۷). حقوق عینی. کابل. چاپ هشتم، انتشارات سعید.

ب) رساله‌ها:

(۱۳) احمد، اشرف جواد وحید. ۲۰۱۲م. المسؤولية المدنية للمحامي عن الخطأ المدني. دانشگاه شرق میانه

رسالة ماستری

ج) قوانین و اسناد:

(۱۴) اصول‌نامه تجارت افغانستان. (۱۳۳۴) ه.ش. منتشره جریده رسمی، شماره ۶۷۶. کابل.

(۱۵) قانون مدنی افغانستان. (۱۳۵۵) ه.ش. منتشره جریده رسمی، شماره ۳۵۳. کابل.

(۱۶) قانون کار. (۱۳۸۵) ه.ش. منتشره جریده رسمی، شماره ۹۱۴. کابل.

(۱۷) قانون وکلای مدافع. (۱۳۸۶) ه.ش. منتشره جریده رسمی، شماره ۹۳۴. کابل.

(۱۸) مجلة الاحکام العدلیة. (مصوب ۱۲۹۳) ه.ق. مطبعة الجوانب، قسطنطنیه، ترکیه.